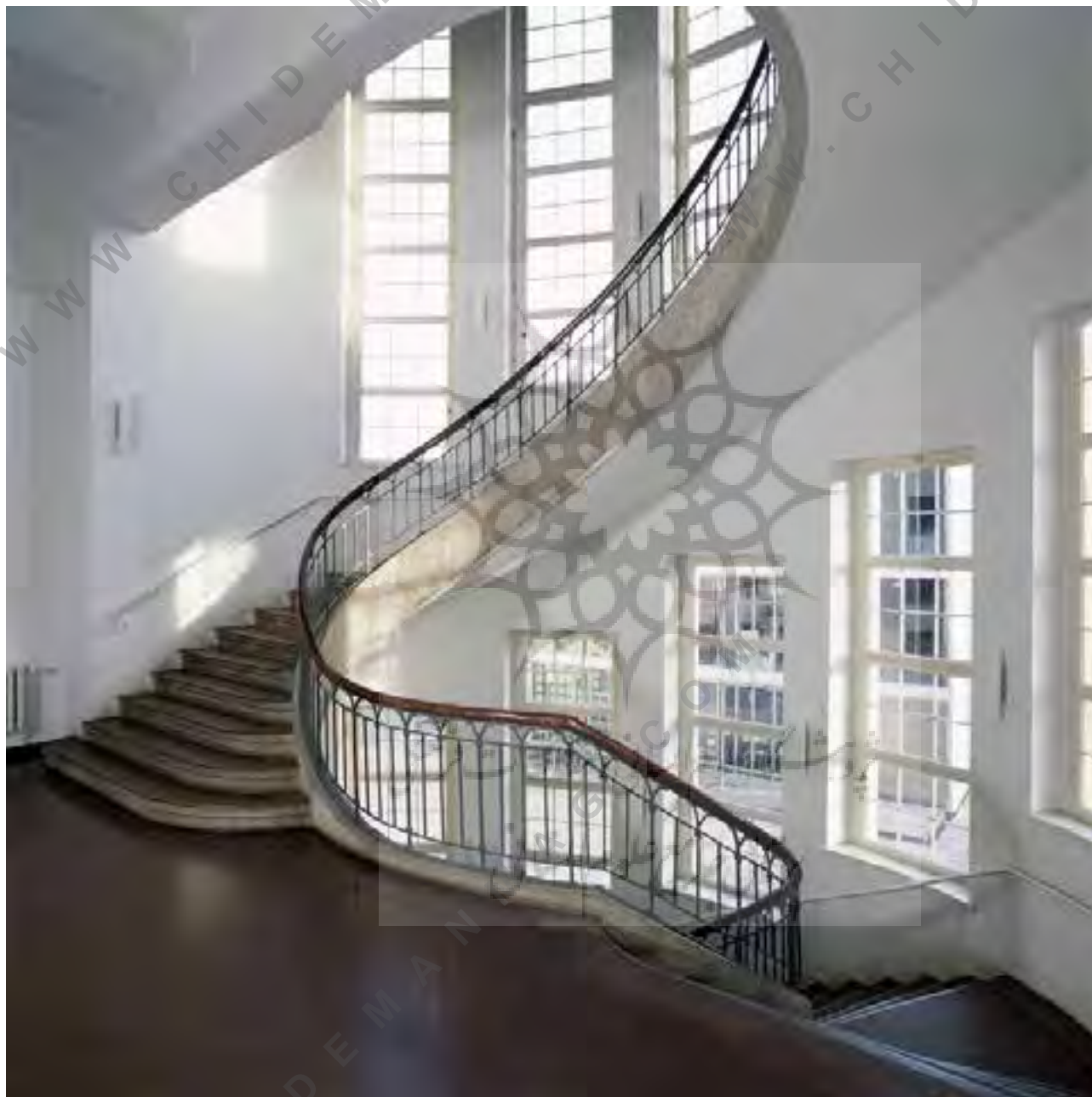


# شناسایی کانسپت‌های طراحی داخلی؛

گریزی بر دو کتاب آنتونی سولی در باب معماری و طراحی داخلی

ترجمه و تألیف: نوید گلچین

کارشناس ارشد معماری داخلی دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.



تصویر شماره ۱: فضای داخلی مدرسه باهاوس، معماری مدرن، والتر گروپیوس

نظریه و روند<sup>[۱]</sup> به چاپ رسیده‌اند. سولی فارغ التحصیل هنر و طراحی داخلی بوده و در طی سال‌های گذشته آثار بسیاری را در حوزه طراحی داخلی به اجرا رسانده است. او علاوه بر تدریس در انگلستان و آمریکا، پیشتر دو کتاب دیگر نیز به رشته تحریر درآورده است.

3- Interior Design: Theory and Process

مقاله حاضر به بررسی و تحلیل دو کتاب آنتونی سولی<sup>[۱]</sup> می‌پردازد که با عناوین "طراحی داخلی: اصول کانسپت"<sup>[۲]</sup> و "طراحی داخلی:

1- Anthony Sully

2- Interior Design: Conceptual Basis





تصویر شماره ۲: فضای داخلی مدرسه باهاوس، معماری مدرن، والتر گروپیوس، ۱۹۱۴

## ۱- نظریه و روند

کتاب‌های بسیاری در مورد طراحی داخلی، دکوراسیون داخلی و رشته‌های مرتبط با معماری همچون طراحی مبلمان، محصولات و صنایع دستی نوشته شده است. اما از آن جایی که کسی تا به حال در مورد مفاهیم طراحی داخلی و یا اینکه این کانسپت‌ها چه هستند چیزی ننوشته است، سولی در کتاب خویش بررسی این موضوع را در اولویت قرار داده است.

نویسنده کتاب معتقد است پایه نظری مبحث طراحی داخلی حول محوریت موارد زیر تشکیل می‌شود:

- هندسه: شکل، فرم و نسبت‌های اندازه‌گیری شده

- ساختار فرم انسانی: نیازهای فعالیت‌های انسانی

- ادراک: کنترل بر چیزی که دیده می‌شود

- تجلی: استدلال چرایی نیت نهایی

سولی همچنین به دنبال فضایی است که از هر تعلق سبکی، مثلاً مدرنیسم، رها باشد. در این کتاب به نقل از سالینگاروس<sup>[۶]</sup> چنین آمده است: "برخلاف سلیقه عامه مردم که به فضاهای سنتی گرایش داشتند، فضاهای داخلی خشن در مدرنیسم که از زمان آدولف لوس<sup>[۷]</sup> و مدرسه باهاوس وجود داشتند در ابراز انواع جذابیت‌های جهانی و حس راحتی در فضا ناموفق بودند. مردم علاقه‌مند به حضور و استفاده از وسایلی همچون تابلوی عکس، عروسک، گل و گیاه و اشیاء هنری در محل زندگی و کار خود هستند. این‌گونه وسایل

تعالی، نظم، ترتیب، مقیاس و تناسب، روش‌های سازمان یافته‌ای هستند که اگر به شکلی مؤثر استفاده شوند منجر به وحدت می‌شوند. عناصر بصری و اصول نظم دهنده هر دو ماهیتی ملموس از ایده‌طراح را ارائه می‌کنند.<sup>[۴]</sup>

آنتونی سولی در کتاب «طراحی داخلی: نظریه و روند» به تشریح اصول و چارچوب مطالعه این رشته پرداخته است، او با بهره‌گیری از رویکرد ارجاعات تاریخی مناسب، همانند مطرح کردن راه‌های ساخت کدها یا زبان‌هایی که به نظر وی در برابر راه‌های طراحی آشفته امروزی و در دسترس برای همگان مورد نیازند به این کار پرداخته است. وی تمامی مراحل روند طراحی را شرح می‌دهد و بخشی از آن روند، ایده‌هایی است که طراح را درگیر عناصر طراحی یک فضای داخلی می‌کند. واژه «ایده» کاربردهای متفاوتی دارد و در گفتگوهای مختلف مطرح می‌شود. در این کتاب از این ایده‌ها با عنوان کانسپت نام برده می‌شود.

استفاده معاصر از کانسپت به عنوان روش طراحی معمارانه از قرون گذشته تا به حال بسیار پیشرفت کرده و به شدت مدیون نظریه‌ای است که می‌گوید معماری (معماری داخلی)، همانند هنر، باید چیزی را فراتر از مادیت خودش ابراز کند.<sup>[۵]</sup>

6- Nikos Salingaros(1952)

7- Adolf Loos(1870-1933)

4- Joy Malnar and Frank Vodvarka, the Interior Dimension (New York, Van Nostrand Reinhold, 1992) p. 36.

5- Philip Plowright, Revealing Architectural Design (London, Rutledge, 2014) p. 245.



تصویر شماره ۳: فضای داخلی خانه مولر، معماری مدرن، آدولف لوس، ۱۹۳۰



تصویر شماره ۴: فضای داخلی خانه مولر، معماری مدرن، آدولف لوس



توسط اقلیتی از نخبگان مدرنیست تقبیح شده‌اند و تلاش آن‌ها در ادامه ایدئولوژی مدرنیسم در ضدیت با خواست مردم برای راحت بودن در دنیای شخصی‌اشان است.<sup>[۸]</sup>

تحقیقات سولی مباحث و بیانات زیادی از نویسندگان را در حوزه‌های مختلف شامل می‌شود: طراحی داخلی چیست؟ (تعاریف، رشته، حرفه)، از کجا می‌آید؟ (تاریخچه)، چه کسی از آن استفاده می‌کند؟ (کاربران و مطالعات روانشناختی)، اهمیت آن چقدر است؟ (مشارکت اجتماعی)، طراحی داخلی سالم چگونه است؟ (مسئولیت و پایداری) و تأثیرات طراحی داخلی چیست؟ (واکنش مردم). با بررسی این موارد سولی بر آن است تا هستهٔ تدوین‌کنندهٔ طراحی داخلی را بازتعریف کند.

سولی درگیر چالش کنار آمدن با رشد کانسپچوال ایده‌های متضاد با کاربرد عملی مصالح و تکنولوژی ساخت و همچنین اصول قانونی‌ای که چنین موضوعاتی را همراهی می‌کنند، می‌باشد. دو نیروی اصلی محرک تولید کانسپت عبارتند از: الهام و انگیزه. سولی از دو نوع منبع جهت تولید ایده نام می‌برد: منابع خارجی و منابع داخلی. منابع خارجی آن دسته از منابعی هستند که از قلمرو طراحی خارج هستند و در جوانب مختلف زندگی نظیر فرهنگ، صنعت، سیاست، فلسفه و اجتماع حضور دارند. منابع داخلی آن دسته از منابعی هستند که از علم طراحی نشأت می‌گیرند.

باید توجه داشت کانسپت با سبک اشتباه گرفته نشود. سبک معمولاً به طرح بصری ثابتی گفته می‌شود که چه تاریخی و چه مدرن برای جامعه‌ای خاص بنا نهاده شده است. یک سبک بر اساس فاکتورهای شخصیتی خاص که با تعدادی از کارهای هنری در اشتراک است، قابل تعریف است، سبک را باید دلالت‌کننده بر ساختار احتمالی قرارداد شده از یک سیستم نمادین دانست.<sup>[۹]</sup> سبک بر گروهی از محصولات متفاوت دلالت دارد که از لحاظ تناسبات فیزیکی و دستگاه‌های ارتباط‌دهنده که تولیدکنندهٔ مجموعه‌های تصویری هستند، به یکدیگر وابسته‌اند. اجتماع کامل آن‌ها منحصر به فرد است و قابل مقایسه با اجتماعاتی هستند که محصولات آن‌ها خواص متفاوتی دارند و بنابراین سبکی جدید از این طریق خلق می‌شود.

هدف سولی تعمق بر روی نیازهای اجتماعی وسیع‌تر، موارد جهانی و فشار بازار که باعث ساختار دادن به آینده می‌شود نیست، زیرا این موضوعات همیشه توسط دیگران به خوبی مورد بررسی قرار گرفته است. تجربهٔ حرفه‌ای سولی بیانگر روند طراحی به وسیلهٔ کانسپتی فراگیر می‌باشد که عناصر وابستهٔ دیکته شده به آن حمایت می‌کنند. برای مثال، کانسپت طراحی داخلی یک سینما می‌تواند ترکیبی از حس فضای تاریخی، اشرافی و راحتی فضایی باشد. یکی از عناصر وابسته در این مسیر، نورپردازی است که شامل طیف وسیعی از لوازم و افکت‌ها می‌باشد. در راستای یک

8- Nikos Salingaros, Fractal Art and Architecture Reduce Physiological Stress, Article 2012.

9- Christian Norberg-Schulz, Intentions in Architecture (Massachusetts, the MIT. Press 1965) p. 70.

طراحی نورپردازی خاص، طراح باید کانسپت آن را بداند. این امر باعث تعریف افکت، کنترل، مدت زمان، مکانیابی و غیره می‌شود. سولی تمامی این عناصر وابسته را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که این موارد در برابر کانسپت اصلی نباید در رده‌ی دوم قرار گیرند، بلکه باید حتی برابر فرض شوند تا توانایی‌های طراحی را شاخص کنند و ارتقاء بخشند. مشارکت آن‌ها همچنان کمک می‌کند تا کانسپتی برتر شکل گیرد.

## ۲- آموزش و طراحی داخلی

ضرورت این مسأله که طراح برای طراحی باید مسلط به دست آزاد باشد همیشه مورد جدل بوده است. انتقاد سولی، همچون بسیاری از اهالی فن طراحی، این است که ترسیم یکی از حیاتیترین اجزای روند طراحی است. ترسیم مغز را گسترش می‌دهد و توانایی‌های بصری ابراز حالات مختلف را جاودانه می‌کند. به بیانی دیگر، این عمل فرآیند شکل دادن و ساختاربخشی به تصورات ذهنی است. ترسیم، همچنین ابزار جذب بازخورد را فراهم می‌کند و این زمان را به طراح می‌دهد تا خود را برای اصلاحات آماده کند. طراحی دست آزاد در واقع اتخاذ حرکات احساسی‌ای است که به آن‌ها فرم داده شده و در نهایت تصویرساز طرح خواهند بود. از طریق ترسیم است که نه تنها به احتمالات مختلف طرح‌های جدید می‌رسیم بلکه به زبان بنیانی معماری (و طراحی داخلی) دست پیدا می‌کنیم.<sup>[۱۰]</sup>

نظرات متفاوت و ضد و نقیضی در رابطه با اتفاقات مهم تشکیل دهندهٔ طراحی داخلی مطرح شده است. از منظر تاریخی، مطالعات طراحی داخلی به سمت عملی بودن پیش رفته است و خود را نگران مشکلات اجرایی و کاربردی می‌داند نه مسائل فلسفی.<sup>[۱۱]</sup>

بین تئوری‌های آکادمیک طراحی داخلی و واقعیت طراحی در اجرا اختلافاتی وجود دارد. بعضی از این تئوری‌ها به عینیت و حقیقت محض معطوف هستند. مفاهیم حقیقت، زیبایی و ارزشی در درک جزئیات تشکیل‌دهندهٔ طراحی نهفته‌اند و معمولاً، به طور کل و در طراحی داخلی به طور جزء، مورد قبول بوده‌اند.<sup>[۱۲]</sup>

علیرغم تنوع قابل توجهی که در گرایش‌های منطقه‌ای در باب اصطلاحات، آیین‌نامه‌ها و تحقیقات طراحی داخلی وجود دارد، توافق جهانی بر سر موضوع طبیعت هویت طراحی داخلی وجود دارد.<sup>[۱۳]</sup>

با توجه به رشد پیچیدگی‌های طراحی در حوزهٔ محیط‌های داخلی، نیاز روز افزون به متخصصان و توانایی‌های مرتبط با موارد زیر حس می‌شود: مصالح پایدار داخلی، ارگونومی فضاها، طراحی برای اجتماعات متفاوت، طراحی محیط کار، مدیریت امکانات، نورپردازی داخلی و جوانب مورد تأکید دیگر در محیط مصنوع در مقیاس داخلی.<sup>[۱۴]</sup>

10- Simon Unwin, Analyzing Architecture (Rutledge, London, 2014) p. 4.

11- Abercrombie 1990; Guerin and Martin 2001.

12- Ainley 1998; Vaikla-Poldma 2003. Tiiu Poldma, University of Montreal, Canada, 2003.

13- Joanne Cys, University of South Australia, 2008. Paper: "Undisciplined".

14- John Weigand, article "Interior Design and Architecture", Design Intelligence. March 2013.



تصویر شماره ۶: نورپردازی فضای داخلی

### ۳- معماری داخلی

سولی معتقد است اصطلاح معماری داخلی به زعم برخی از صاحب نظران تهدیدی بر حرف‌هایی است که دائماً درگیر دفاع از خود می‌باشد از زمانی که واژه طراحی داخلی در دهه ۱۹۶۰ مورد استفاده قرار گرفت. به نظر می‌رسد که ما به اندازه کافی گفت‌وگوی دقیق در باب چیستی و ارزش کاری که انجام می‌دهیم را نداشته‌ایم.

بنابراین بر اساس گذشته‌مان، درک عموم از حرفه و ترس به ظاهر مستمر ما این است که طراحی داخلی از معماری منتج می‌شود و این سؤال را مطرح می‌سازد که ما که هستیم در آینده‌ای که چالش برانگیز و غم‌افزا به نظر می‌رسد؟<sup>[۱۵]</sup>

بین معماری و طراحی داخلی خطی بسیار نازک وجود دارد. در مواردی که بحث فضای داخلی مطرح است این خط نازک از بین می‌رود و همه عرصه‌ها مشترک میشوند: عناصر حاضر در طراحی داخلی، چه معمارانه و چه دکوراتیو، با کیفیت فضایی مشابهی در یک فضای مشخص ظهور می‌کنند.<sup>[۱۶]</sup>

به لحاظ فلسفی و عملیاتی داخلی، معماری رشته‌ای است که به شدت درگیر مسائل بازسازی و بازتعریف کردن بناهای موجود است و همچنین نقشی مهم در بازیابی پایدار در محیط مصنوع به عهده دارد.<sup>[۱۷]</sup>

ممکن است معماری داخلی را به عنوان طراحی فضاهای داخلی (مسکونی، تجاری، تفریحی) دانست که سازه آن‌ها موجود است و

تا حدودی از فرآیندهای معماری وامدار است.<sup>[۱۸]</sup> برخی از ایده‌هایی که معماری داخلی را توصیف می‌کنند عبارتند از: پیشرفت قوی سه بعدی، توجه به معماری محصورکننده، حساسیت نسبت به تجربیات انسانی، اهمیت بنیادین نور، انرژی و وفور رنگ و مبلمان به عنوان بسط معماری.<sup>[۱۹]</sup>

معماری داخلی ترکیبی از عناصر سه زمینه طراحی، هنر و معماری تشکیل شده است.<sup>[۲۰]</sup>

### ۴- هنر و طراحی

طراحی و هنر در طی سی سال گذشته با سرعتی بالا به یکدیگر همگرا بوده‌اند و روح این پیوند توسط پیشگامان عرصه هنر و طراحی درک شده است. طراحی داخلی موظف است تا به روح خلاقیتی که به دنبال راه حل هاست مجهز شود. روحی که هنر و پیکرتراشی را ترکیب می‌کند و فرمی به وجود می‌آورد که نمایانگر فرم تولیدی انسان است. بدین طریق یک طراح همچون یک هنرمند و یک هنرمند همچون یک طراح فعالیت می‌کند.

### ۵- بین رشته‌ای

فعالیت‌های چند رشته‌ای کمتر حتی در خود مدارس هنری مورد توجه قرار گرفته‌اند.<sup>[۲۱]</sup>

سولی بر اساس تجربیات شخصی‌اش می‌گوید که هر دانشکده به خاطر ترسی که از افراد غیر خودی دارد به دنبال ایجاد دیواری به دور

18- Clive Edwards, Interior Design, a Critical Introduction (Oxford, Berg, 2011) p. 2.

19- John Kurtich and Garret Eakin, Interior Architecture (New York, Van Nostrand Reinhold, 1996) p. vii.

20- Ellen Klingenberg, Interior Architecture-a body of knowledge and a field for research (paper 25.07.2009).

21- Fred Scott, "On Altering Architecture", 2008.

15- Allison Carl White, Ph.D, University of Kentucky. Journal of Interior Design, IDEC 2009.

16- Roberto Rengel, Shaping Interior Space (New York, Fairchild Publications Inc. 2003) p. 10.

17- John Coles and Naomi House, the Fundamentals of Interior Architecture (Switzerland, Ava Publishing 2007) p. 10.



خود است. ترسی که ممکن است کنترل ثبات مدیریتی و برنامه‌های درسی غیرمنعطف آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در مقایسه با سی سال گذشته، امروزه آکادمی‌هایی که مدرک دکتری اعطا می‌کنند از لحاظ فرهنگی وابستگی‌های کمتری به هم دارند. این مشکل تا قسمتی به دانشگاه برمی‌گردد که به دنبال بالا بردن رتبه علمی‌اش در میان بقیه است و بقیه به خود گروه‌های آموزشی برمی‌گردد که روش‌های محافظه‌کارانه دارند و ترس از آن دارند تا به اشتراک گذاشتن مباحث‌شان باعث بی‌ارزش شدن تلاش‌هایشان شود.

طراحی داخلی مهارتی بین‌رشته‌ای است که از خلق دامنه وسیعی از محیط‌های داخلی شکل می‌گیرد. محیط‌هایی که با دستکاری کالبد فضایی، مکانیابی عناصر و مبلمان خاص و نوع رفتار با سطوح بیانگر اتمسفر و هویت این محیط‌ها می‌شوند.<sup>[۲۲]</sup>

#### ۶- تأثیر سازمان‌ها و جریان‌ها

با توجه به موارد ذکر شده، واضح است که مشکل معین کردن آنچه که هویت طراحی داخلی گویند، مشکلی است که چالش برانگیز و قابل بحث است. ظهور «معماری داخلی» به عنوان نسخه تغییر نام یافته «طراحی داخلی» به هیچ عنوان کمکی در راستای روشن‌نگری این بحث نداشته است. سولی پس از مطالعات فراوان به این نتیجه رسیده است که هیچ تفاوتی میان طراحی و معمار داخلی وجود ندارد. بناهای موجود به مردم نیاز دارند تا از تغییر و تطبیق سازه موجود گرفته تا مشخص کردن مبلمان و دکوراسیون داخلی در آن‌ها پیش روند. این همان کاری است که طراحان داخلی (که سولی نیز یکی از آن‌ها است) قبلاً هم انجام می‌داده‌اند؛ پس چرا باید اصطلاحی دیگر برگزینیم؟ مؤسسات آمریکایی همچون سازمان اعطای مجوز طراحی داخلی (CIDA)، سازمان مقررات ملی طراحی داخلی (NCIDQ) و انجمن مدرسان طراحی داخلی (IDEC) که نهادهای قانونی و رهبران اعضای بی-شمارشان هستند، در زمینه آموزش و اشاعه طراحی داخلی سهم بالایی دارند.

از نویسندگانی که از آن‌ها مطالبی گفته شد، دانستن نظر تئو پولدما<sup>[۲۳]</sup> درباره اختلاف نظر طراحان حرفه‌ای میان تئوری (همان چیزی که در آکادمی‌ها رایج است) و مهارت، جالب است. گنورین و مارتین<sup>[۲۴]</sup> نیز به تفرقه میان تفکر مهارتی و تفکر فلسفی اشاره می‌کنند. سولی همچنین می‌گوید که با بالا رفتن سطح مطالعات آکادمیک، همانطور که از کنفرانس‌ها و مقالات مشخص است، این محیط‌ها تمایل به غوطه‌ور شدن در چیزی که سولی نام آن را زباله‌دان فکری گذاشته است، دارند. اصطلاح مستخرج از این بحث «درونیت»<sup>[۲۵]</sup> است که به‌زعم وی حداقل برای خودش غیرقابل فهم است.

22- Brooker and Stone, From Organization to Decoration (London, Middlesex University Press, 2013).

23- Tiiu Poldma

24- Geurin and Martin

25- Interiority

#### ۷- اصول کانسپت

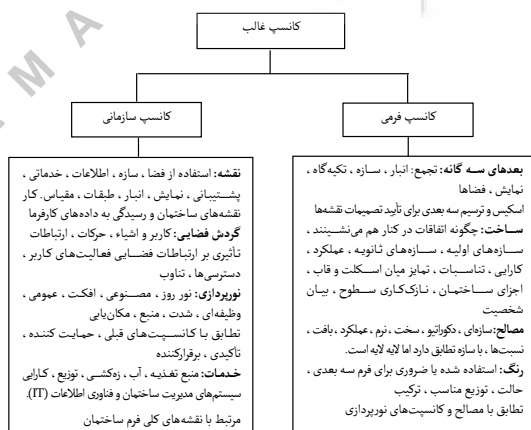
طراحی، فعالیتی مهم توسط انسان است (حتی می‌توان گفت فعالیتی است که باعث انسان شدن انسان می‌شود). طراحی توانایی‌ای است در جهت متقاعد کردن، ارتقاء بخشیدن، خلق کردن و پیشنهاد دادن.<sup>[۲۶]</sup>

کانسپت طراحی چیست؟ توصیف نوشتاری از کانسپت تلاش دارد تا تجسمی باشد از تجربه واقعی که مردم در هنگام ورود به فضا می‌بینند، بنابراین این کار بهترین حالت انتقال این حس نمی‌تواند باشد. سولی به حس کلی مردم، فارغ از جنسیت، سن و یا فرهنگ‌های مختلف، اشاره می‌کند. شروع کانسپت با ایده‌ای است که مشکلی که در نهایت واقعیت عملی فضای داخلی از آن منتج می‌شود را مطرح می‌کند؛ فضایی که در فعالیت‌های مختلف اجازه حضور می‌یابد.

احتمالاتی که یک طراح می‌تواند اتخاذ کند تا در نهایت با اطمینان خاطر به نتیجه برسد، جزئی از فرآیند خاص شکل‌دهی کانسپت است. در ادامه شاهد دیاگرامی هستیم که کانسپت‌های طراحی داخلی را برمی‌شمارد. طراحی نقشه، یکی از فاکتورهای بررسی شده در کانسپت‌های طراحی است، که به‌زعم سولی یکی از مهم‌ترین و مولدترین آن‌ها هم می‌باشد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا سولی دکور را جزء کانسپت‌ها به‌شمار نیاورده است؟ دکور محدود بسیار وسیعی دارد و شامل مبلمان، نورپردازی و پرداخت سطوح می‌شود. این مفاهیم در قالب موضوعات دیگر در دیاگرام زیر آمده است، موضوعاتی که به نظر وی تمامی جوانب حول طراحی داخلی را پوشش می‌دهند. تمامی این موارد از طرق روند طراحی به هم وابسته‌اند. به علاوه چنین تقسیماتی کوشش‌هایی هستند برای اثبات اینکه کنترلی بزرگ‌تر بر روند طراحی وجود دارد. موارد دیگری نیز وجود دارند که هم در فرآیند خلق کانسپت و هم در پرورش آن مورد توجه هستند، همچون: نسبت‌ها، هندسه، ادراک و فرم انسانی.

#### ۸- کانسپت‌های هشت گانه جزئی طراحی، برای رسیدن به کانسپت اصلی



جدول شماره ۱: کانسپت‌های جزئی طراحی

26- Philip Plowright, Revealing Architectural Design (London, Rutledge, 2014) p. 22.

دانست. شکل دهی و تکمیل این کانسپت‌ها طراح را به سمت کار حرف‌های و کانسپت اصلی هدایت خواهد کرد، که به عنوان طرح پیشنهادی به کارفرما داده خواهد شد.

به نظر سولی کانسپت‌هایی که دیده می‌شوند و یا به وسیله کاربر قابل تشخیص‌اند به قرار زیر می‌باشند:

رنگ باید اولین تأثیر را بگذارد و به راحتی قابل شناسایی باشد. کانسپتی قوی و تأثیرگذار، وابسته به انتخاب مصالح، ساختار و نورپردازی.

رنگ و سایه کمک می‌کنند تا شکل سه بعدی نمایان شود.

مصالح به اندازه رنگ بر بیننده تأثیر می‌گذارند، در حالی که وابسته به ساختار، زیبایی‌شناسی و عملکرد و کاربری می‌باشند. مصالح برای جلب توجه در رقابت با رنگ‌ها هستند که تداعی‌کننده داستان مرغ و تخم‌مرغ است (که کدام یک زودتر از دیگری وجود داشته است!).

نورپردازی هم به موازات دو مورد بالا در تشخیص بصری مؤثر است. همیشه بعد از چیز دیگری می‌آید اما بدون شک زندگی بخش است. جدا از بحث گردش فضایی، تنها کانسپتی است که در کاربرد و زمان متغیر است.

سه بعد فضایی نیاز به دانش بیشتر از محتوای فضای داخلی از هر زاویه دارند، که امکان‌ها هم هیچگاه فراهم نیست. شروعی از نقشه و گردش فضایی در دو بعد اما دیده شدن در سه بعد. شروعی بر قضاوت بصری فرم.

گردش فضایی قابل تجربه کردن است اما جزئاً وابسته به دسترسی مجاز است. مردم به فضا دسترسی پیدا می‌کنند و از آن استفاده می‌نمایند. می‌توان نقشه بنا را، در استفاده از زمان و حرکت، طبق مورد بالا به مردم دیکته کرد.

ساختار بنا به دلیل نمایان بودن آن به طور کامل مورد تحسین نیست. ساختار به جذب نقشه و فرم سه بعدی و تبدیل و متناسب‌سازی آن در واقعیت می‌پردازد.

نقشه ساختمان بی‌شک نیازمند دید پرنده است که به ندرت قابل دستیابی است. نقشه، حقیقتی دو بعدی از جانمایی‌های مناسب برای دسترسی مردم و چشم‌انداز ذهنی واکنش به سه بعد می‌باشد. کانسپت کنترل‌گر و مشخص.

ممکن است تصور کنید که نقشه و فرم سه بعدی در ارتباط نزدیک‌اند و یا مصالح، ساختار و رنگ نیز همین‌طور و حتماً هم همین‌طور است. بنابراین باید بر هر کانسپت به طور جداگانه تمرکز کرد و تمامی جنبه‌های عملکردی آن را سنجید، در حالی که تصدیق ارتباطات وابسته به آن بدون در نظر داشتن تأثیرات توجیه‌ناپذیر بر هر کانسپت، دیکته کردن امری بزرگ به شکلی ناعادلانه است. طبیعت تداخل اتفاقات می‌تواند شرایط آنالیز مستقل را دشوار کند.

حال دانستن پیشنهاد روبرتو رینگل<sup>[۲۷]</sup> در مورد چستی کانسپت

یک آیتم فضایی می‌تواند حتی به زیرمجموعه یک کانسپت هدایت‌گر بدل شود. برای مثال: (در اینجا میز و صندلی به عنوان دو عنصر همراه فرض شده‌اند).

- یک میز باید در جایی قرار گیرد که در پلان مشخص شده است.

- یک میز باید در دسترس کاربران باشد؛ گردش فضایی.

- یک میز بخشی از مجموعه سیستم‌های پشتیبانی می‌باشد که تحت کنترل ابعاد سه گانه است.

- یک میز حالتی از ساخت و ساز است.

- یک میز از مصالح ساخته شده است.

- یک میز رنگ(های) خاص دارد.

- یک میز باید نورپردازی شود.



تصویر شماره ۷: چرخه کانسپت: دیاگرام مقدماتی از سوالات مطرح حول یک کانسپت.

احتمالاً هر شخصی یک فضای داخلی ساخته شده را به یکی از دلایل زیر مورد تمجید قرار می‌دهد:

- طراحی جامع رنگی مناسب

- افکت‌های نوری فوق العاده

- فضای عالی

- احساس رضایت از کار کردن در فضای موجود

- راحتی زیاد

- مورد پسند بودن چوب داخل فضا (و یا هر مصالحی که تأثیر غالب را در فضا دارد)

- عملکرد پلانی مناسب

- فضایی جذاب برای ملاقات افراد مختلف

- چشم‌اندازهای بی‌نظیر

و بالعکس برای نقد منفی فضا نیز می‌توان خلاف موارد بالا را صادق





تصویر شماره ۸: متریال در فضای داخلی

شبهه است اما رنگل آنها را از هم تفکیک نکرده است. کانسپت-های شخصیتی مورد تأکید رنگل می‌تواند شامل کانسپت‌های رنگ، مصالح و نورپردازی آنتونی سولی باشد اما باز هم مشکل تفکیک اجزاء وجود دارد. به کانسپت ساختاری هم به کل در متون رنگل اشاره نشده است.

یک کانسپت طراحی تجلی ایده‌های کلیدی است که طراح با آن می‌تواند اقدام به کار کند و طرح‌های کلی را به مرحله تولید برساند.<sup>[۲۹]</sup>

29- John Coles and Naomi House, The Fundamentals of Interior Architecture (Switzerland, Ava Publishing 2007) p. 10.

مفید خواهد بود: هدف یک کانسپت طراحی، مشخص کردن جواب‌های مناسب است که کمک به تولید رویکردهای مشخص برای حل مشکل طراحی می‌باشد... اول از همه، باید کانسپت‌های طراحی داخلی را به دو دسته تقسیم کرد: کانسپت‌های سازمانی (آرایش فضایی) و کانسپت‌های شخصیتی (آن‌هایی که به سبک، تصویر و زمینه مرتبط‌اند).<sup>[۲۸]</sup> گروه سازمانی مورد تأکید رنگل به کانسپت‌های نقش‌های، سه بعدی و گردش فضایی آنتونی سولی

28- Roberto Rengel, Shaping Interior Space (New York, Fairchild Publications Inc. 2003) p. 122.





تصویر شماره ۹: متریاال در فضای داخلی

W





تصویر شماره ۱۰: مصالح در فضای داخلی



تصویر شماره ۱۱: رنگ در فضای داخلی

#### جمع‌بندی

طراحان همیشه باید از تغییرات و پیشرفت‌های عرصه صنعت مطلع باشند. این امر باعث تأثیرگذاری بر کانسپت‌های پایه‌ای در کار حرفه‌ای می‌شود. برای مثال در طراحی فضای اداری، مؤسسات به این نتیجه رسیده‌اند که شیوه‌های فعالیت و کار بیشتر گروهی اند تا فردی و نیاز به تولید فضاهای منعطف بسیار به چشم می‌آید. بنابراین طراحان از طریق پیش‌بینی فضاهایی با قابلیت تنظیم دلخواه شروع به پاسخ گفتن به این نیازها می‌کنند. این طراحی با استفاده از مبلمان تغییرپذیر که استفاده از تکنولوژی در دسترس را سهولت می‌بخشد، انجام می‌گیرد. این امر اشاره‌ای به تئوری «مکانیک عملیات» آنتونی سولی دارد که به اعتقاد وی، به جز کمدها، درها و پنجره‌ها، اجزای قابل حرکت

بیشتری، برای بال و پر دادن، در فضاهای داخلی موجود هستند.

در این متن بیشتر به بررسی روند کانسپچوال طراحی پرداخته شد. بر این اساس که سایت پلان، موقعیت جغرافیایی، بنا و جهت‌گیری آن، در کنار درخواست کارفرما در باب نیازها و فعالیت‌ها، در نظر گرفته می‌شوند و به تولید داده منجر شود که از آن طریق روند طراحی آغاز می‌گردد. پیشنهاد گاه و بیگاه آنتونی سولی در طراحی داخلی این است که «مکانیزم حمایتی» رعایت شود. این مکانیزم تمامی جوانب را پوشش می‌دهد، به این طریق که در امورات ظواهر مربوط به فعالیت‌های انسانی پشتیبان‌کننده اصلی قلمداد می‌شود. اموراتی حیاتی از قبیل فراهم آوردن شرایط طراحی مناسب صندلی‌ها، تخت‌ها، سطوح کار، دستگیره‌ها، کمدها، ائبارها و فرم‌های نمایش‌گر ■